

“Explaining the Relationship between Audit Quality, Auditor Independence, Audit Fee, and Financial Reporting Quality in Insurance Companies”

Roya Darabi¹, Bahram Pasandideh Parsa² and Mohammadreza Hajireza³

Received: 2021/04/19

Approved: 2021/05/04

Research Paper

Abstract

Given the usefulness of the quality of financial reporting in making informed decisions by users (stakeholders) about investing in businesses, Audit fees, maintaining auditor independence, and increasing audit quality can reduce unreasonable management reporting decisions regarding profit quality and ultimately increase the quality of the business's financial reporting, on the other hand, it can cause economic dependence between the auditor and the client and provide for fundamental doubts about the auditor's independence and the decline in audit quality and change in audit fees. This will reduce public confidence (stakeholders) in the quality of financial reporting. Therefore, the purpose of this study is to explain the relationship between audit quality, auditor independence and audit fees with the quality of financial reporting in insurance companies. The method of the present study was correlational in nature and content and hypothesis testing based on multivariate regression was used and in terms of the type of purpose, it has been part of applied research and the research has been done in the framework of inductive reasoning. Its statistical population includes all insurance companies in Iran. In order to achieve the research goal, the period between 1392 to 1398, has been selected as a sample. The results of the test of research hypotheses indicate a significant and direct (positive) relationship between audit quality, auditor independence and audit fees with the quality of financial reporting in insurance companies in Iran.

Key Words: Audit Quality, Auditor Independence, Audit Fee and Financial Reporting Quality.

JEL Classification: M41, M49

 10.22034/ARJ.2021.245325

1. Associate Professor of Accounting, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran
Royadarabi110@yahoo.com (Corresponding Author)

2. Ph.D student in Accounting, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran.
pasandideh_p@yahoo.com

3. Ph.D student in Accounting, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran.
mahdi.gharib@yahoo.com

<http://article.iacpa.ir>

تبیین رابطه‌ی بین کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرسان، حق‌الزحمه‌ی حسابرسان، با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای

رؤیا دارابی^۱، بهرام پسندیده پارسا^۲، محمدرضا حاجی رضا^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۴

مقاله‌ی پژوهشی

چکیده

باتوجه به سودمندی که کیفیت گزارشگری مالی در اتخاذ تصمیم آگاهانه توسط استفاده‌کنندگان (ذی‌نفعان) درباره‌ی سرمایه‌گذاری در بنگاه‌های تجاری دارد، میزان حق‌الزحمه‌ی حسابرسان، حفظ استقلال حسابرسان و افزایش کیفیت حسابرسان می‌تواند منجر به کاهش تصمیم‌های گزارشگری نامعقول مدیریت در رابطه با کیفیت سود و در نهایت افزایش کیفیت گزارشگری مالی بنگاه تجاری شود، و از طرفی می‌تواند سبب ایجاد وابستگی اقتصادی میان حسابرسان و صاحبکار و فراهم آوردن موجبات بروز تردیدی اساسی درباره‌ی استقلال حسابرسان و پایین آمدن کیفیت حسابرسان و تغییر حق‌الزحمه‌ی حسابرسان شود که این امر موجب کاهش اعتماد عمومی (ذی‌نفعان) نسبت به کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. هدف پژوهش حاضر، تبیین وجود رابطه بین کیفیت حسابرسان، استقلال حسابرسان و حق‌الزحمه‌ی حسابرسان با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه می‌باشد. روش پژوهش از نظر ماهیت و محتوایی همبستگی بوده و از آزمون فرضیه‌ها بر اساس رگرسیون چند متغیره استفاده شده و از نظر نوع هدف، جزء پژوهش‌های کاربردی و انجام پژوهش در چارچوب استدلال استقرایی صورت پذیرفته است. جامعه‌ی آماری شامل کلیه‌ی شرکت‌های بیمه‌ای در ایران می‌باشد که به منظور دستیابی به هدف پژوهش، دوره‌ی زمانی بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸، به عنوان نمونه انتخاب گردیده است. نتایج به‌دست آمده از آزمون فرضیه‌های پژوهش، بیان‌کننده‌ی وجود رابطه‌ی معنادار و مستقیم (مثبت) بین کیفیت حسابرسان، استقلال حسابرسان و حق‌الزحمه‌ی حسابرسان با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای در ایران می‌باشد.

کلید واژه‌ها: کیفیت حسابرسان، استقلال حسابرسان، حق‌الزحمه‌ی حسابرسان و کیفیت گزارشگری مالی

 10.22034/ARJ.2021.245325

royadarabi110@yahoo.com

pasandideh_p@yahoo.com

mohammadrezahajireza@gmail.com

http://article.iacpa.ir

۱. دانشیار گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۱- مقدمه

صورت‌های مالی به عنوان هسته اصلی گزارشگری مالی حاوی اطلاعاتی درباره‌ی وضعیت مالی و عملکرد مالی بنگاه‌های اقتصادی است که به منظور استفاده طیف وسیعی از استفاده‌کنندگان (ذی‌نفعان) نظیر سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و دولت تهیه و ارائه می‌شود. از آنجایی که اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی یکی از پایه‌های مهم اتخاذ تصمیمات منطقی به شمار می‌رود، لذا استفاده‌کنندگان باید در فرآیند تصمیم‌گیری، پیش از به کارگیری گزارشگری مالی، کیفیت آن را ارزیابی کنند (بزرگ اصل، ۱۳۸۰). در این راستا، بالا بردن مستمر کیفیت گزارشگری مالی و اطلاعات ارائه شده از سوی حرفه، جزء ضروریات دنیای تجاری و حرفه‌ای امروز به شمار می‌رود (رحمانی و ایمنی، ۱۳۹۰). اگر هدف حسابرسی را ارتقای سودمندی اطلاعات صورت‌های مالی برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان فرض کنیم، و حسابرسان نتوانند نقش خود را در اعتبار بخشی به صورت‌های مالی به درستی ایفا نمایند، در آن صورت حسابرسان وظیفه‌ی خود را در رفع تضاد میان منافع استفاده‌کنندگان اطلاعات (ذی‌نفعان) به ویژه سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه و تهیه‌کنندگان اطلاعات ایفا ننموده است (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۱). بنابراین وجود تضاد منافع میان سهامداران و مدیران، اهمیت ویژه‌ای به حسابرسی برای رفع این تضاد می‌دهد. پس حسابرسی به عنوان سازوکاری کارآمد، به سهامداران این اطمینان را می‌دهد که مدیران در اداره‌ی شرکت در راستای منافع سهامداران عمل نموده‌اند یا خیر؟

کار حسابرسی اطمینان بخشی به سهامداران و سایر اشخاص ذی‌نفعی است که با شرکت طرف قرارداد هستند (والکر، ۲۰۰۳) و در بیان مسأله‌ی انجام این پژوهش می‌توان ابراز نمود که در بیانیه‌ی مفهومی شماره‌ی ۲ هیأت تدوین استانداردهای حسابداری (۱۹۸۰)، ویژگی کیفی اطلاعات حسابداری و به تبع آن کیفیت اطلاعات و کیفیت گزارشگری مالی پس از اهداف گزارشگری مالی در درجه‌ی دوم اهمیت قرار گرفته بود که این هیأت با انتشار بیانیه‌ی مفهومی شماره‌ی ۸ در سال ۲۰۱۰ و تعدیل و تغییر ویژگی‌های اطلاعات با کیفیت، بار دیگر نشان داد که کیفیت اطلاعات افشا شده توسط شرکت‌ها در صدر مهم‌ترین موضوعات حسابداری قرار دارد (ملا امینی، مرفوع، ۱۳۹۴). و از سوی دیگر، حسابرسان در خصوص مربوط بودن و قابل اعتماد بودن صورت‌های مالی گزارش شده، با استفاده از شواهد موجود اظهار نظر می‌کنند و با توجه به این مهم که قابلیت اعتماد و مربوط بودن از اجزای خصوصیات کیفی اصلی مرتبط با محتوای اطلاعات می‌باشند، کار حسابرسان با کیفیت اطلاعات مالی و به تعبیری دیگر، کیفیت گزارشگری مالی گره خورده است. همچنین حسابرسان به عنوان بررسی‌کنندگان کیفیت اطلاعات افشا شده توسط شرکت‌ها، وظیفه‌ی تطبیق اطلاعات با مستندات و وقایع، شناسایی انحرافات و گزارش به ذی‌نفعان و در نهایت افزایش قابلیت اتکای اطلاعات را بر عهده دارند (حساس یگانه، ۱۳۹۱) درحالی که در پی رسوایی‌های مالی مؤسسه‌هایی نظیر انرون، ورلدکام، پارمالات و اهلد، اطمینان و اعتماد سرمایه‌گذاران به سیستم‌های گزارشگری مالی ضعیف شده و کیفیت گزارشگری مالی به عنوان یک عامل مهم در تعیین اعتبار و قابلیت اعتماد ارقام گزارش شده مطرح گردیده است. در نتیجه تعیین کیفیت اطلاعات حسابداری

منتج از سیستم‌های گزارشگری مالی و نتایج حاصل از آن، مورد علاقه سرمایه‌گذاران، مدیران، قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردها قرار گرفته است (سجادی، محمدی، ۱۳۸۹). علی‌رغم آن که مسئولیت تهیه‌ی صورت‌های مالی بر عهده‌ی مدیریت است اما در پی این وقایع مهم، انگشت اتهام به سوی حسابرسان نیز نشانه رفته است. تا جایی که عموماً از این وقایع به عنوان «شکست حسابرسی» یاد می‌شود. تلقی عموم این است که فقدان استقلال و کیفیت ضعیف حسابرسی موجب وقوع چنین وقایعی شده است. البته در پی این رخداد، قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و حسابرسی سعی در تدوین مقرراتی داشته‌اند تا استقلال حسابرسان و کیفیت حسابرسی را بهبود بخشند (لی و همکاران، ۲۰۰۷). همچنین با توجه به جایگاه و نقش مؤسسه‌های حسابرسی با اعتبار بخشی به گزارشات مالی در راستای افزایش سودمندی در تصمیمات استفاده‌کنندگان، استقلال واقعی حسابرِس و کیفیت کار مؤسسه‌های حسابرسی به عنوان عوامل کلیدی در تهیه‌ی گزارش‌های حسابرسی قلمداد می‌شوند و سرلوحه‌ی توجه استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی قرار گرفته است که در همین رابطه، هویتاش و همکاران (۲۰۰۷) نیز به بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرسی و حق‌الزحمه‌ی حسابرسان پرداختند که طبق دیدگاهی حق‌الزحمه‌های بالا می‌تواند از طریق افزایش تلاش‌های حسابرسان منجر به افزایش کیفیت حسابرسی (و حفظ استقلال حسابرِس) شده و طبق دیدگاهی دیگر می‌تواند (در بلند مدت) باعث افزایش وابستگی مالی به صاحبکاران و در نتیجه کاهش کیفیت حسابرسی (و تردید اساسی در حفظ استقلال حسابرِس) شود. چنین تصور می‌شود که کیفیت حسابرسی و حفظ استقلال حسابرِس از جمله عواملی است که از دید استفاده‌کنندگان (ذی‌نفعان)، موجب ارتقای سطح کیفیت گزارشگری مالی می‌شود که این دو عامل نیز خود تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله رابطه‌ی حسابرِس با صاحبکار و میزان حق‌الزحمه‌ی حسابرسی می‌باشند. در واقع حق‌الزحمه‌ی حسابرسی همانند یک شمشیر دولبه است که از یک طرف می‌تواند منجر به بهبود کیفیت حسابرسی و حفظ استقلال حسابرِس شود و از طرف دیگر ممکن است، سبب پایین آمدن کیفیت حسابرسی شده و حتی استقلال حسابرِس را خدشه دار کند. بنابراین از آنجایی که گزارش حسابرِس در فرآیند تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی به عنوان یکی از اطلاعات سودمند در نظر گرفته می‌شود، از این رو پرسش اصلی این پژوهش آن است که کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرِس و حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌های بیمه‌ای چه تأثیری می‌تواند بر کیفیت گزارشگری مالی در این شرکت‌ها داشته باشد؟

بنابراین ضرورت انجام این پژوهش با توجه به نتایج به‌دست آمده از پژوهش‌های قبلی که همگی در رابطه با شرکت‌های بورسی و خصوصی در بازار سرمایه انجام پذیرفته شده است و همچنین با توجه به قوانین و مقرراتی که در این صنعت خاص حاکم و از طرف بیمه‌ی مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر شرکت‌های بیمه الزام شده است، پژوهش حاضر در نوع خود نسبت به پژوهش‌های دیگر که عمدتاً شرکت‌های دیگر پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و با ساختار مدیریت خصوصی را مورد بررسی قرار داده‌اند، بی‌بدیل می‌باشد. تاکنون در این حوزه و صنعت خاص، پژوهشی در این سطح انجام نشده است. لذا استفاده از نتایج دیگر پژوهش‌های انجام شده قبلی ذکر شده، می‌تواند با توجه

به دولبه بودن بازتاب نتایج این پژوهش‌ها، و مشخص نبودن تبعات آن بر این صنعت خاص، منتسب نمودن هر یک از نتایج قبلی به این صنعت خاص موجب ایجاد اثرات منفی، تحمیل هزینه‌ی اضافی و یا کاهش کیفیت گزارشگری مالی در این حوزه گردد. بنابراین هدف از این پژوهش در پی یافتن پاسخی مناسب برای سؤال مطرح شده‌ی پژوهش در این حوزه بوده و در این راستا، این پژوهش دارای اهداف کاربردی بوده که نتایج آن می‌تواند در شرکت‌هایی در حوزه‌ی فعالیت و صنعت خاص و مشابه با نحوه‌ی فعالیت و ساختار سازمانی با شرکت‌های بیمه نیز مورد توجه قرار گیرند در واقع هدف اصلی این پژوهش بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس و حق الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای می‌باشد.

۲- پیشینه‌ی پژوهش

کیفیت گزارشگری مالی در بازارهای مالی یکی از موضوعات مورد علاقه مشارکت‌کنندگان (ذی‌نفعان) در بازار می‌باشد که به موجب آن اطلاعات تهیه، منتشر و برای اهداف تخصیص سرمایه (تصمیم‌های سرمایه‌گذاری که آینده‌نگر هستند) مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین اطلاعات برای ارزیابی نتایج گذشته (اهداف قراردادی از قبیل عملکرد مدیریت و قراردادهای پاداش مدیریت) نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد در این رابطه فرانسویس و همکاران (۲۰۰۴) اعتقاد دارند که استفاده از اطلاعات در تخصیص منابع، شالوده‌ای برای استفاده (ذی‌نفعان) از آن در ارزیابی نتایج است زیرا هدف اولیه‌ی بازارهای مالی تخصیص بهینه‌ی منابع است و با افزایش کیفیت گزارشگری مالی، سودمندی آن برای تصمیم‌های تخصیص سرمایه افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، هدف اولیه‌ی اطلاعات حسابداری و گزارشگری مالی در بازار سرمایه، کمک به تصمیم‌گیری و قضاوت مطمئن‌تر ذی‌نفعان است. زیرا گزارش‌های باکیفیت‌تر منجر به تصمیمات و قضاوت‌های با کیفیت و مفیدتر برای استفاده‌کنندگان (ذی‌نفعان) می‌شود. هدف ثانویه کیفیت اطلاعات گزارش شده، پیام دهی به مشارکت‌کنندگان در تولید و انتشار اطلاعات است که با چه کیفیتی به ایفای وظایف خود می‌پردازند. البته حسابرسان به دلیل ارائه‌ی خدمات حسابرسی، نقش مهمی در جهت حفظ منافع عمومی در بازارهای سرمایه ایفا می‌کنند زیرا گزارش‌های حسابرسی یکی از مواردی است که به عنوان راهنمای سرمایه‌گذاران در هنگام تصمیم‌گیری استفاده می‌شود و کیفیت پایین این گزارش‌ها می‌تواند به تخصیص نامناسب منابع در جامعه منجر شود و از طرفی ایفای نقش به عنوان حافظ منافع جامعه (ذی‌نفعان) مستلزم این است که حسابرس در مقابل صاحبکار، (استقلال داشته و) مستقل باقی بماند. در حقیقت کیفیت و اعتبار گزارش حسابرسی به میزان استقلال حسابرس از صاحبکار خود نیز بستگی دارد؛ اما در عمل نفوذ صاحبکار بر مسائل مربوط به انتخاب و ارائه‌ی اطلاعات به حسابرس، به همراه انگیزه‌های بالای مدیریت برای دستیابی به اهداف تعیین شده یا عبور از آن‌ها، موانع مهمی بر سر راه (حفظ استقلال و) مستقل باقی ماندن حسابرسان محسوب می‌شوند (ونس تراثلن، ۲۰۰۰). از سوی دیگر، ورشکستگی شرکت‌های بزرگ در ابتدای قرن حاضر، موجب شد تا موضوع قابلیت اتکای

گزارشگری مالی مورد توجه افکار عمومی (ذی‌نفعان) واقع شود و با این که مسئولیت تهیه‌ی صورت‌های مالی دقیق و عاری از خطا و اشتباه به عهده‌ی هیأت‌مدیره‌ی شرکت‌ها است اما این ورشکستگی‌ها سؤال‌های زیادی درباره‌ی کیفیت حسابرسی و استقلال حسابرسان به وجود آورده است. قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و حسابرسی در تلاش هستند تا از طریق وضع قوانین مؤثر (برای مثال، قانون ساربینز آکسلی، ۲۰۰۲) سبب حفظ استقلال حسابرسان و بالابردن کیفیت حسابرسی شده و متعاقباً کیفیت گزارشگری مالی را افزایش دهند. در رابطه با بررسی پیشینه‌ی پژوهش‌های انجام شده خارجی می‌تراه، جگی و الحیال (۲۰۱۹) دریافته‌اند که در شرکت‌های با مدیران بیش اطمینان، وجود هیأت‌مدیره اثربخش، سبب تقاضای بیش‌تر برای حسابرسی با کیفیت شده و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در این شرکت‌ها افزایش می‌یابد. لاراسیتی و همکاران (۲۰۱۹) نیز طی پژوهشی به تحلیل نقش کمیته‌ی حسابرسی مستقل و کمیته‌ی مدیریت ریسک و هزینه‌ی حسابرسی پرداخته و در این رابطه بین کمیته‌ی حسابرسی و کمیته‌ی مدیریت ریسک و هزینه‌های حسابرسی در کشور اندونزی پژوهشی را انجام داده‌اند که نتایج به‌دست آمده از این پژوهش حاکی از آن است که با مشارکت یک کمیساریای مستقل به عنوان یک عضو کمیته‌ی حسابرسی، رابطه بین کاهش ریسک کمیته‌ی حسابرسی و هزینه‌ی حسابرسی معنادار می‌باشد. بدین صورت که پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که وجود کمیته‌ی مستقل و مدیریت ریسک و یک کمیته مستقل‌تر توسط کمیساریای مأمور در کمیته‌ی حسابرسی، خواستار پوشش بیش‌تر حسابرسی بوده و در نتیجه هزینه‌ی حسابرسی را افزایش می‌دهد و این مهم زمانی شدت می‌یابد که کمیته‌های مدیریت ریسک و حسابرسی مستقل بتوانند به طور عینی ریسک موجود را ارزیابی کنند. زیرا با افزایش تقاضا برای حسابرسی و جهت پاسخ به آن و برای حفظ کیفیت حسابرسی بالاتر، سبب پرداخت هزینه‌هایی به مأمور کمیساریا و در نهایت افزایش هزینه‌های حسابرسی می‌شود. سلیم و الزوی (۲۰۱۸) نیز طی پژوهش انجام شده، بیان می‌نمایند که کیفیت حسابرسی و صلاحیت حسابرسی، اندازه، تخصص و استقلال حسابرس و تأمین مالی بدهی (بدهی کم) پتانسیل مدیریت درآمد را کاهش می‌دهد و به نوبه خود کیفیت گزارشگری مالی را افزایش می‌دهد. زیرا به طور دائمی بدهی‌های بالا باعث افزایش ریسک مدیریت درآمد می‌شود. آجی منساه (۲۰۱۸) هم طی پژوهشی دریافته‌اند که اثر جایگزینی و مکملی بین حضور مؤسسه‌ی حسابرسی بزرگ (کیفیت حسابرسی بالاتر) و کمیته‌ی حسابرسی اثربخش در افزایش کیفیت افشای اطلاعات مالی (کیفیت گزارشگری مالی) وجود دارد. همچنین گاینور و همکاران (۲۰۱۶) با استفاده از چارچوب محیطی به انجام پژوهش‌هایی پرداختند که در دو حوزه‌ی کیفیت گزار شگری مالی و کیفیت حسابرسی انجام شده بود. به اعتقاد ایشان این دو حوزه همواره مورد علاقه‌ی پژوهشگران بوده و در تحقیقات قبلی، ویژگی‌های مختلفی برای اندازه‌گیری آن‌ها ارایه شده است. آن‌ها با ارائه‌ی مطالب تئوری و با استناد به پژوهش‌های قبلی، وجود رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی را مورد اثبات قرار دادند. راسمین و همکاران، (۲۰۱۴) نیز طی پژوهشی بیان نموده‌اند که نگرانی‌هایی درباره‌ی وجود تمرکز در بازار حسابرسی منجر

شده که بعضی از کشورها بازار حسابرسی بسیار رقابتی و متشکل از مؤسسه‌های کوچک داشته باشد، و وجود این مؤسسه‌های کوچک به حسابرسان انگیزه می‌دهد که برای رقابت به صاحبکاران تخفیف‌های بیش‌تری در حق‌الزحمه‌ی حسابرسی را پیشنهاد بدهند که کاهش کیفیت حسابرسی پیامد چنین فضایی است. بنابراین، حسابرسان برای کسب و یا حفظ شهرت و اعتبار خود برآن هستند که رسیدگی‌های دقیق‌تری انجام داده و از دعاوی حقوقی و محرومیت‌ها اجتناب کنند و کیفیت اطلاعات مالی و گزارشگری مالی را افزایش دهند که در نتیجه آن، شفافیت اطلاعات مالی شرکت‌ها افزایش می‌یابد. زیرا حسابرسی با کیفیت‌تر صحت اطلاعات ارائه شده را بهبود می‌بخشد و به سرمایه‌گذاران (ذی‌نفعان) اجازه می‌دهد تا برآورد دقیق‌تری از ارزش شرکت به دست آورند. با افزایش کیفیت حسابرسی این انتظار وجود دارد که احتمال جلوگیری از گزارشگری متقلبانه افزایش یابد و کیفیت گزارشات مالی بهبود یابد و از طرفی نیوتن و همکاران (۲۰۱۳) طی پژوهشی بیان نمودند که افزایش تمرکز در بازار فعالیت حرفه‌ی حسابرسی باعث کاهش ریسک حسابرسان از نبود صاحبکار می‌شود و به حسابرسان این اطمینان را می‌دهد که فعالیت حسابرسی را با کیفیت بیش‌تری انجام دهند که همین نکته افزایش استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی را در پی خواهد داشت. سوسانتی سوسنو (۲۰۱۳) به بررسی و تحلیل تجربی استقلال حسابرس و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی بر کیفیت حسابرسی پرداخت که نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که استقلال حسابرس و هزینه‌ی حسابرسی تأثیر قابل توجهی بر کیفیت حسابرسی دارند و می‌توان با تغییر نگرش‌ها و تعیین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی کافی جهت افزایش کیفیت حسابرسی گام برداشت. فرانسیس و همکاران (۲۰۱۳) طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که تنها چند مؤسسه‌ی بزرگ توانایی حسابرسی شرکت‌های سهامی بزرگ را دارند. این موضوع به افزایش حق‌الزحمه و کیفیت حسابرسی (و حفظ استقلال حسابرس) منتهی می‌شود. چمبرز و پاین (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان کیفیت حسابرسی و اقلام تعهدی اختیاری به این نتیجه رسیدند که مقدار بازده عملیاتی مربوط به اقلام تعهدی اختیاری رابطه‌ی منفی با کیفیت حسابرسی دارد. آنان در پژوهش خود در خصوص کیفیت حسابرسی و قابلیت اتکای اقلام تعهدی به این نتیجه رسیدند که بالا بودن کیفیت حسابرسی و همچنین به کارگیری قانون سارینز آکسلی موجب افزایش قابلیت اتکای اقلام تعهدی می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود با افزایش کیفیت حسابرسی، احتمال استفاده از روش‌های قابل تردید حسابداری و رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران کاهش یابد که این موضوع افزایش کیفیت گزارشگری مالی را به دنبال خواهد داشت. هتفیلد و همکاران (۲۰۰۷) عقیده دارند که حسابرسان برای جذب و حفظ مشتری، حق‌الزحمه‌ی کمی را دریافت می‌کنند و انتظار دارند تا در سال‌های بعد از طریق افزایش این حق‌الزحمه، زیان‌های سال‌های اول حسابرسی را جبران کنند. بر این اساس، حسابرسان با دوره‌ی تصدی کوتاه ممکن است در سال‌های اول حسابرسی سهل‌انگارتر (دارای کیفیت حسابرسی پایین‌تری) باشند که این امر موجب کاهش کیفیت حسابرسی (و ایجاد تردید در استقلال حسابرس) و کیفیت کم‌تر سود گزارش شده (و در نهایت منجر به کاهش کیفیت گزارشگری مالی) می‌شود. میرز و همکاران (۲۰۰۳) طی پژوهشی کیفیت بالای حسابرسی را در

محدود کردن تصمیم‌های گزارشگری غیرمتعارف مدیریت دانسته‌اند و معتقدند که برای نشان دادن این تصمیم‌های غیرمتعارف، می‌توان از اقلام تعهدی اختیاری استفاده کرد. طرخورانی و همکاران (۱۳۹۹) طی پژوهشی به بررسی تأثیر کیفیت گزارشگری مالی بر قیمت‌گذاری اقلام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. نتایج به‌دست آمده حاکی از این است که کیفیت گزارشگری مالی بر قیمت‌گذاری اقلام تعهدی تأثیر معناداری دارد. بهبهانی‌نیا و ولی‌زاده لاریجانی (۱۳۹۹) طی پژوهشی به بررسی تأثیر طبقه‌بندی مؤسسه‌های حسابرسی معتمد (کیفیت حسابرسی) بر گزارشگری مالی صاحبکاران پرداخته‌اند که نتایج به‌دست آمده حاکی از این است که بین طبقه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی (کیفیت حسابرسی) و امتیاز افشا و اطلاع‌رسانی صاحبکار آن رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین براساس نتایج به دست آمده، طبقه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی بر ضریب واکنش به سود تأثیر مثبت و معناداری دارد. به عبارت دیگر، این متغیر تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر کیفیت گزارشگری مالی دارد. تحریری و پیری سقرلو (۱۳۹۹) به بررسی عوامل تأثیرگذار بر استقلال حسابرِس با توجه به برداشت حسابرسان و مدیران مالی ایرانی از مفهوم زیربنایی استقلال حسابرِس در کار حسابرسی پرداختند که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود توافق کلی در مورد شاخص‌های تأثیرگذار بر استقلال حسابرِس بین دو گروه حسابرسان و مدیران مالی، تفاوت معنادار بین شدت و میزان تأثیر شاخص‌های مورد بررسی بر استقلال حسابرِس و بین دو گروه وجود دارد، به طوری که در مورد تمامی شاخص‌های هفت‌گانه بر آمده از تحلیل عاملی حسابرسان شدت بیش‌تری را قائل بودند. فتحی، (۱۳۹۷)، به بررسی تأثیر مؤلفه‌های استقلال حسابرِس بر کیفیت حسابرسی پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌های حسابرسی صاحبکار، خدمات غیرحسابرسی، وابستگی اقتصادی حسابرِس، نقش مدیریت در اقتصاد حسابرِس و تعیین حق‌الزحمه‌ی حسابرِس از استقلال حسابرِس با کیفیت حسابرسی همبستگی مشاهده گردید و با توجه به آزمون رگرسیون بین مؤلفه‌های حسابرسی صاحبکار، خدمات غیرحسابرسی، وابستگی اقتصادی حسابرِس و تعیین حق‌الزحمه‌ی حسابرِس و کیفیت حسابرسی رابطه‌ی خطی وجود دارد ولی رابطه خطی بین کیفیت حسابرسی و مولفه‌ی نقش مدیریت در اقتصاد حسابرِس مشاهده نگردید. همچنین گرجی‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) طی پژوهشی به بررسی تأثیر اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی بر کیفیت حسابرسی پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی پژوهش، حاکی از این است که اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی و تغییر حق‌الزحمه‌ی حسابرِس بر کیفیت حسابرسی رابطه مثبت معناداری وجود دارد و در این زمینه نیز اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی بر رابطه‌ی بین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و کیفیت حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری دارد. با این حال، به گفته حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۵) هر قدر حسابرِس از کیفیت، شهرت و نفوذ در بازار حسابرسی و قدرت چانه زنی بیش‌تری برای تعیین حق‌الزحمه برخوردار باشد، بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی او افزوده خواهد شد. براساس یافته‌های فوق، رویکردهای متفاوتی درباره‌ی تأثیر تمرکز در بازار حسابرسی بر حق‌الزحمه و کیفیت حسابرسی وجود دارد. نیکبخت و همکاران (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی به بررسی رابطه‌ی

بین حق‌الزحمه و تجربه‌ی حسابرِس با کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند که نتایج آن حاکی از این است که تغییر حق‌الزحمه‌ی حسابرِس با کیفیت حسابرسی رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد.

۳- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش انجام شده از نظر ماهیت و محتوایی همبستگی می‌باشد. انجام پژوهش در چارچوب استدلال‌های استقرایی صورت گرفته است و پژوهش حاضر بر اساس ماهیت در زمره‌ی پژوهش‌های توصیفی (غیرآزمایشی) و همبستگی از نوع تحلیل رگرسیون چند متغیره قرار دارد. در این رابطه تعداد ۳۱ شرکت به عنوان جامعه‌ی هدف و همه‌ی آن‌ها به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. از این رو مشاهده‌ها طی بازه‌ی زمانی ۱۳۹۲ لغایت ۱۳۹۸ به ۱۵۵ سال شرکت (۵ سال × ۳۱ شرکت) می‌رسد. با توجه به تعداد نمونه که بیش از سی شرکت می‌باشد و انجام آزمون نرمال بودن جامعه‌ی آماری، در این پژوهش از روش‌های آماری پارامتریک استفاده شده است. پژوهش حاضر، از نوع پژوهش‌های پس رویدادی است. در این روش، داده‌ها از محیطی به طور طبیعی که حاصل نتیجه و وقایع گذشته هستند، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌شود. در پژوهش پیش‌رو نیز اطلاعات گذشته مربوط به جامعه‌ی مورد پژوهش از صورت‌های مالی هر یک از شرکت‌های بیمه‌ای در ایران جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای خلاصه کردن داده‌ها و اطلاعات و برای محاسبه متغیرهای پژوهش، از نرم‌افزار Excel و برای آزمون فرضیه‌ها از نرم‌افزار Spss و Eviews استفاده شده است.

۱-۳- جامعه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر، کلیه‌ی شرکت‌های بیمه‌ای بوده است. بدین منظور، اطلاعات مالی استخراج شده از گزارش‌های مالی ۳۱ شرکت بیمه‌ای واقع در ایران برای سال‌های ۱۳۹۲ لغایت ۱۳۹۸ شامل: ایران، آسیا، البرز، دانا، معلم، اتکایی امین، آسماری، تجارت نو، پارسیان، کارآفرین، رازی، سینا، ملت، امید، متقابل اطمینان متحد قشم، حکمت صبا، دی، سامان، نوین، پاسارگاد، میهن، حافظ، اتکایی ایرانیان، زندگی خاورمیانه، کوثر، ما، آرمان، تعاون، سرمد، ایران معین و متقابل کیش می‌باشد.

۲-۳- فرضیه‌ها، مدل‌های آماری و متغیرها

در این پژوهش از روش توصیفی برای طبقه‌بندی و گردآوری داده‌ها و اطلاعات استفاده شده است و از تحلیل همبستگی برای بررسی تغییرات یک متغیر بر سایر متغیرها استفاده می‌شود و از ضریب همبستگی پیرسون برای وجود همبستگی بین متغیرها استفاده شده است که با توجه به ادبیات نظری و اهداف پژوهش، فرضیه‌ها و مدل‌های مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از: **فرضیه‌ی اصلی** و مدل آماری پژوهش: «بین کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرِس و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای رابطه‌ی معناداری وجود دارد». در این پژوهش جهت تبیین وجود رابطه بین کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرِس و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای (بررسی ارزشی بین هر یک از متغیرهای پژوهش) از مدل رگرسیونی زیر استفاده می‌شود.

رابطه‌ی (۱)

$$FRQ_{it} = \alpha_0 + \beta_1 A\text{QUA}_{it} + \beta_2 A\text{IND}_{it} + \beta_3 LNA\text{FEE}_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 INVREC_{it} + \xi_{it}$$

فرضیه‌ی فرعی اول و مدل آماری: «بین کیفیت حسابرسی، با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای رابطه‌ی معناداری وجود دارد».

رابطه‌ی (۲)

$$FRQ1_{it} = \alpha_0 + \beta_1 A\text{QUA}_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 INVREC_{it} + \xi_{it}$$

فرضیه‌ی فرعی دوم و مدل آماری: «بین استقلال حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای، رابطه‌ی معناداری وجود دارد».

رابطه‌ی (۳)

$$FRQ2_{it} = \alpha_0 + \beta_1 A\text{IND}_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 INVREC_{it} + \xi_{it}$$

فرضیه‌ی فرعی سوم و مدل آماری: «بین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای، رابطه‌ی معناداری وجود دارد».

رابطه‌ی (۴)

$$FRQ3_{it} = \alpha_0 + \beta_1 LNA\text{FEE}_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 INVREC_{it} + \xi_{it}$$

اجزای مدل فرضیه‌ی اصلی عبارتند از:
 FRQ_{it} : متغیر وابسته، کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد که در این پژوهش برای ارزیابی آن از مدل فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵) استفاده شده است.

رابطه‌ی (۵)

$$TAC_{it} = \alpha_0 + \beta_1 CFO_{it-1} + \beta_2 CFO_{it} + \beta_3 CFO_{it+1} + \beta_4 \Delta REV_{it} + \beta_5 PPE_{it} + \xi_{it}$$

$$FRQ_{it} = \xi_{it}$$

TAC_{it} : اقلام تعهدی تقسیم بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره می‌باشد که از فرمول زیر محاسبه می‌گردد.

$$TAC_{it} = (\Delta CA_{it} - \Delta CASH_{it}) - (\Delta CL_{it} - \Delta STD_{it}) - DEP_{it} \quad \text{رابطه‌ی (۶)}$$

ΔCA_{it} : نشان دهنده‌ی تغییرات در دارایی جاری نسبت به دوره قبل.

$\Delta CASH_{it}$: نشان دهنده‌ی تغییرات در موجودی نقد دوره جاری نسبت به دوره‌ی قبل.

ΔCL_{it} : نشان دهنده‌ی تغییرات در بدهی جاری نسبت به دوره قبل.

ΔSTD_{it} : نشان دهنده‌ی تغییرات در تسهیلات کوتاه مدت مالی دریافتی نسبت به دوره‌ی قبل.

DEP_{it} : هزینه‌ی استهلاك دارایی‌های ثابت می‌باشد.

CFO_{it} : جریان نقد عملیاتی تقسیم بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره.

ΔREV_{it} : تغییرات درآمد تقسیم بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره.

PPE_{it} : دارایی‌های ثابت مشهود تقسیم بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره.

$FRQ_{it} = \xi_{it}$: مدل فوق برای هر سال شرکت برآورد و عکس انحراف استاندارد سه ساله جز خطا

به عنوان متغیر کیفیت اطلاعات حسابداری یا گزارشگری مالی در نظر گرفته می‌شود. $AQUA_{it}$: متغیر مستقل، کیفیت حسابرسی می‌باشد. به این صورت که اگر حسابرس شرکت سازمان حسابرسی و یا در زمره‌ی مؤسسه‌های حسابرسی با درجه‌ی کیفیت «الف» که توسط جامعه‌ی رسمی حسابداری ایران اسامی آن بیان شده است باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته شده است.

$AIND_{it}$: متغیر مستقل، استقلال حسابرس می‌باشد. براساس بند ۱۱-۱۶ بخش ب احکام قابل اجرا توسط حسابداران رسمی شاغل، در آیین رفتار حرفه‌ای جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران (۱۳۸۲)، در رابطه با میزان حق‌الزحمه و استقلال حسابرس، این‌گونه بیان شده است که «حسابدار رسمی شاغل باید توجه کند در صورتی که بخش عمده‌ای از درآمدهای سالانه وی به طور مستمر از طریق یک صاحبکار یا گروهی از صاحبکاران مرتبط تأمین می‌شود، چنین وضعیتی می‌تواند موجب بروز شک و ابهام نسبت به استقلال وی گردد. اگرچه رعایت ملاحظات استقلال از مسئولیت‌های حسابدار رسمی است اما در هر صورت تحصیل بیش از ۲۵ درصد درآمدهای مستمر سالانه یک حسابدار رسمی یا مؤسسه‌ی حسابرسی از یک صاحبکار یا گروه صاحبکار خاص، برای مدتی بیش از ۲ سال مجاز نیست». پس، بر این اساس در پژوهش فوق از نسبت درآمد حق‌الزحمه‌ی دریافتی سالانه هر مؤسسه‌ی حسابرسی نسبت به کل درآمد ابرازی در آن سال و از رابطه‌ی زیر استفاده شده است. در این خصوص هرچه میزان درآمد سالیانه‌ی یک مؤسسه‌ی حسابرسی از یک صاحبکار یا گروه صاحبکار کم‌تر از ۲۵ درصد درآمد سال باشد (و با کسر آن در مدل آماری زیر از عدد یک) در صورتی که عدد به‌دست آمده از رابطه‌ی فوق ۷۵ درصد و بیش از آن و نزدیک‌تر به عدد یک یا ۱۰۰٪ باشد، یعنی الزامات درجه شده در بند ۱۱-۱۶ آیین رفتار حرفه‌ای رعایت شده و مؤسسه‌ی حسابرسی دارای استقلال نسبی مناسب نسبت به آن شرکت در آن دوره می‌باشد، و از طرفی به دلیل مجازی بودن متغیر فوق عدد یک لحاظ می‌شود و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته شده است که در این زمینه می‌توان از رابطه‌ی زیر استفاده نمود.

$$\text{رابطه (۷)} \quad RIND_{it} = 1 - \frac{A INC_{it}}{A TC_{it}} \times 100\%$$

$RIND_{it}$: درصد استقلال نسبی از نظر درآمد مؤسسه‌ی حسابرسی نسبت به آن صاحبکار در سال مورد نظر،

$A INC_{it}$: درآمد حسابرسی آن مؤسسه‌ی حسابرسی از آن صاحبکار در سال مورد نظر،
 $A TC_{it}$: درآمد کل حسابرسی آن مؤسسه‌ی حسابرسی از تمامی صاحبکاران در سال مورد نظر،
 $LNA FEE_{it}$: متغیر مستقل، حق‌الزحمه‌ی حسابرسی است. حق‌الزحمه‌ی حسابرسی شامل هرگونه وجهی است که بابت ارائه‌ی خدمات حسابرسی و طبق توافق یا قرارداد به حسابرس یا مؤسسه‌ی حسابرسی پرداخت می‌شود. مبلغ حق‌الزحمه‌ی حسابرسی از یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی و از بخش هزینه‌های اداری و عمومی استخراج شده است، و از لگاریتم طبیعی میزان حق‌الزحمه‌ی حسابرسی استفاده شده است (آگوستین، ۲۰۱۴؛ ووتن، ۲۰۰۳ و کراسول و همکاران، ۲۰۰۲).

$SIZE_{it}$: متغیر کنترلی، اندازه‌ی مؤسسه مورد رسیدگی می‌باشد. که از لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها استفاده کرده است. از آن جایی که حق‌الزحمه‌ی حسابرسی تابع میزان زمان صرف شده جهت انجام حسابرسی می‌باشد. در شرکت‌های بزرگ با وجود کنترل‌های داخلی قوی حسابرسان به دلیل حجم معاملات و دارایی‌های زیاد این شرکت‌ها و پیچیدگی عملیات حسابرسی مورد نیازشان، زمان بیش‌تری صرف عملیات حسابرسی کرده و در نتیجه حق‌الزحمه‌ی حسابرسی بالاتری طلب می‌کنند. اما شرکت‌های کوچک به دلیل سادگی کارشان حق‌الزحمه حسابرسی کم‌تری پرداخت می‌کنند. بنابراین انتظار می‌رود که حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با اندازه‌ی شرکت در ارتباط باشد (مهرانی، اوانکی، ۱۳۹۰).

ROA_{it} : متغیر کنترلی، بازده دارایی که از طریق تقسیم سود عملیاتی سالیانه به کل دارایی شرکت محاسبه و به صورت درصد بیان می‌شود. سودآوری شرکت اغلب به عنوان معیاری جهت ریسک حسابرسی مطرح می‌شود. زیرا این امر در اظهارنظر حسابرِس در مورد تداوم فعالیت بخش‌هایی از شرکت که با زیان مواجه بوده‌اند، بازتاب پیدا می‌کند. پس، انتظار می‌رود ارتباط بین حق‌الزحمه حسابرسی و بازده دارایی‌ها معکوس باشد (طالب تبار، ۱۳۹۰).

LEV_{it} : متغیر کنترلی از نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها به‌دست می‌آید. شرکت‌های با اهرم مالی بالا احتمال ورشکستگی بالایی دارند که وظیفه‌ی حسابرِس در این مورد افشای هزینه‌های حقوقی بالقوه و از این قبیل می‌باشد. پس انتظار می‌رود که اهرم مالی بیش‌تر، رابطه‌ی مثبتی با حق‌الزحمه‌ی حسابرسی داشته باشد (همان).

ϵ_{it} : خطای معادله‌ی رگرسیون می‌باشد.

۳-۳- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، جهت تحلیل داده‌ها ابتدا با محاسبه‌ی آمار توصیفی به بررسی و تحلیل شاخص‌های مرکزی از جمله میانگین، میانه، شاخص‌های پراکندگی، انحراف معیار چولگی و کشیدگی پرداخته و در ادامه نیز، جهت سنجش نرمال بودن جامعه آماری مورد بررسی، از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف و برای تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها از روش تحلیل پانلی استفاده شده است. در این مدل وجود یا عدم وجود اثرات و ثابت یا تصادفی بودن اثرات در مدل‌ها بررسی و در نهایت مناسب‌ترین مدل انتخاب و برآورد شده است. در ادامه آزمون‌های پیش فرض جهت برازش رگرسیون، مانند آزمون نرمال بودن جزء اخلال باقی مانده‌های رگرسیون، مانا بودن متغیرها، نداشتن خود همبستگی، عدم وجود ناهمسانی واریانس و نداشتن هم‌خطی بین متغیرهای مستقل با انجام آزمون‌های مناسب بررسی شده است. در صورت نقض هر کدام از پیش فرض‌ها راهکار مناسبی جهت رفع مشکل لحاظ شده است. مبنای استنباط در این پژوهش از روی سطح معناداری یا مقدار احتمال به‌دست آمده از نتایج تحلیل آماری پژوهش می‌باشد. بدین گونه که هرگاه مقدار احتمال یا سطح معناداری آزمون کم‌تر از ۰/۰۵ باشد فرض صفر در سطح ۹۵٪ اطمینان رد شده و فرض یک مورد قبول واقع می‌شود.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- آمار توصیفی

هدف از این بخش محاسبه پارامترهای جامعه‌ی آماری است. همان‌گونه که از جدول ۱ مشاهده می‌شود کیفیت گزارشگری مالی، کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس، حق الزحمه‌ی حسابرسی و بازده کل دارایی‌های شرکت دارای چولگی مثبت و به سمت راست و متغیرهای مستقل اندازه‌ی شرکت و اهرم مالی دارای چولگی منفی و به سمت چپ هستند. از سوی دیگر از مهم‌ترین شاخص‌های پراکندگی که شرط مطلوب برای وارد کردن متغیرها به مدل رگرسیونی می‌باشد، انحراف معیار است که با توجه به این که هیچ یک از متغیرها دارای انحراف معیار صفر نمی‌باشد. پس نشان‌دهنده‌ی این مطلب است، که متغیرهای پژوهش دارای شرایط مطلوب برای وارد کردن به مدل رگرسیونی پژوهش می‌باشند. تحلیل صورت پذیرفته نشان می‌دهد که اندازه‌ی شرکت دارای بیش‌ترین انحراف معیار و بازده کل دارایی‌ها دارای کم‌ترین انحراف معیار می‌باشد. همچنین حق الزحمه‌ی حسابرس دارای کم‌ترین پراکندگی بوده و استقلال حسابرس دارای بیش‌ترین میزان پراکندگی می‌باشد.

جدول (۱) آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

شاخص‌های کشیدگی			شاخص‌های مرکزی			نام و تعداد متغیرها		
بیشینه	کمینه	کشیدگی	چولگی	انحراف معیار	میانگین	تعداد	نماد متغیر	نام متغیر
۰/۳۴	۰/۶۵	۰/۱۴۵	۰/۷۱۷	۱/۰۹۳۵۰	۱/۵۶۸۵	۱۵۵	FRQ	کیفیت گزارشگری مالی
۱	۰	۰/۴۶۰	۱/۵۶۷	۰/۳۹۶۳۶	۰/۱۹۳۵	۱۵۵	A QUA	کیفیت حسابرسی
۱	۰	۵/۶۶۰	۲/۷۵۴	۰/۲۹۶۶۱	۰/۹۰۳۲	۱۵۵	A IND	استقلال حسابرس
۸/۶۱	۵/۳۰	-۰/۱۰۸۲	۰/۳۱۷	۰/۶۸۲۶۲	۷/۰۵۶۷	۱۵۵	LNA FEE	حق الزحمه‌ی حسابرسی
۸/۳۴	۰	۱۴/۱۹۸	-۲/۵۸۸	۱/۴۴۴۵۶	۶/۵۵۲۲	۱۵۵	SIZE	اندازه‌ی شرکت
۰/۳۳	۰	۷/۱۴۰	۲/۱۹۵	۰/۰۵۱۰۴	۰/۰۴۹۳	۱۵۵	ROA	بازده کل دارایی‌ها
۱/۰۸	۰	۰/۳۱۷	-۱/۱۳۴	۰/۲۷۲۲۸	۰/۶۹۰۹	۱۵۵	LEV	اهرم مالی

۴-۲- تحلیل همبستگی پیرسون

به منظور بررسی جهت و شدت همبستگی خطی بین متغیرهای پژوهش به ویژه متغیر وابسته با هر یک از متغیرهای مستقل و کنترلی مورد استفاده در آزمون‌های پژوهش، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده و نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است. چراکه ضریب همبستگی ابزاری آماری برای تعیین نوع، درجه و جهت رابطه‌ی بین یک متغیر کمی با متغیر کمی دیگر است. لذا برای تعیین شدت همبستگی خطی بین متغیرهای پژوهش، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ۲، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که کیفیت گزارشگری مالی نسبت به متغیرهای مستقل کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس و حق الزحمه‌ی حسابرسی به ترتیب با احتمال (۰/۰۰۷)، (۰/۰۳۱) و (۰/۰۱۰) و ضریب آن به ترتیب (۰/۹۳۶)، (۰/۷۰۲) و

(۰/۱۰۸) کوچک‌تر از احتمال ۰/۰۵ و دارای رابطه‌ی معنادار مستقیم (مثبت) می‌باشد. همچنین کیفیت در گزارشگری مالی با متغیرهای کنترلی اندازه‌ی شرکت و بازده کل دارایی‌ها با احتمال (۰/۰۰۰) و (۰/۰۴۷) و ضرایب آن به ترتیب (۰/۲۸۰) و (۰/۵۵۸) کوچک‌تر از احتمال ۰/۰۵ و دارای رابطه‌ی معنادار مستقیم (مثبت) می‌باشد و متغیر کنترلی اهرم مالی با احتمال (۰/۰۷۰) بزرگ‌تر از احتمال ۰/۰۵ و دارای رابطه‌ی بی معنی با کیفیت در گزارشگری مالی می‌باشد.

جدول (۲) تحلیل همبستگی متغیرهای پژوهش

LEV	ROA	SIZE	LNA FEE	A IND	A QUA	FRQ	نماد متغیر	شرح
						۱ -	FRQ	کیفیت گزارشگری مالی
					۱ -	۰/۹۳۶ ۰/۰۰۷	A QUA	کیفیت حسابرسی
				۱ -	۰/۱۶۰ ۰/۰۴۶	۰/۷۰۲ ۰/۰۳۱	A IND	استقلال حسابرِس
			۱ -	۰/۲۲۳ ۰/۰۰۵	۰/۳۰۳ ۰/۰۰۰	۰/۱۰۸ ۰/۰۱۰	LNA FEE	حق‌الزحمه‌ی حسابرسی
	-	۱ -	۰/۴۳۶ ۰/۰۰۰	۰/۱۲۳ ۰/۰۰۱	۰/۲۵۸ ۰/۰۰۱	۰/۲۸۰ ۰/۰۰۰	SIZE	اندازه‌ی شرکت
	۱ -	۰/۰۴۷ ۰/۰۵۶	۰/۰۷۶ ۰/۳۴۸	۰/۰۲۵ ۰/۰۵۱	۰/۰۳۷ ۰/۰۰۳	۰/۵۵۸ ۰/۰۴۷	ROA	بازده کل دارایی‌ها
۱ -	۰/۲۹۶ ۰/۰۰۰	۰/۶۵۷ ۰/۰۰۰	۰/۴۴۳ ۰/۰۰۰	۰/۳۱۳ ۰/۰۰۸	۰/۰۷۸ ۰/۳۳۵	۰/۱۷۳ ۰/۰۷۰	LEV	اهرم مالی

۴-۲-۱- تحلیل یافته‌ها و بررسی نکویی برازش مدل فرضیه‌ی اول

فرضیه‌ی فرعی اول پژوهش؛ «بین کیفیت حسابرسی، با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای، رابطه‌ی معناداری وجود دارد»، مورد بررسی قرار گرفته است که نتایج به‌دست آمده از برازش مدل رگرسیون پژوهش در جدول ۳ ارائه شده است:

جدول (۳) نتایج برازش مدل رگرسیون فرضیه فرعی اول پژوهش

VIF	نتیجه	احتمال	آماره محاسبه شده t	ضریب استاندارد شده	مقدار ضریب	متغیر	عنوان متغیر
۱/۰۸۹	مثبت و معنادار	۰/۰۳۷۸	۰/۸۸۵	۰/۰۷۲	۰/۱۹۹	A QUA	کیفیت حسابرسی
۲/۱۳۸	مثبت و معنادار	۰/۰۰۸	۲/۶۶۸	۰/۳۰۵	۰/۲۳۱	SIZE	اندازه‌ی شرکت
۱/۲۳۵	مثبت و معنادار	۰/۰۴۱	۰/۳۷۰	۰/۰۳۲	۰/۶۸۹	ROA	بازده کل دارایی‌ها
۲/۲۰۳	بی معنی	۰/۹۱۷	۰/۱۰۴	۰/۰۱۲	۰/۰۴۹	LEV	اهرم مالی
	ضریب تعیین	۰/۰۸۴	۰/۰۶۰	ضریب تعیین تعدیل شده	۱/۶۱۵		دوربین واتسون
	مقدار F	۳/۴۴۹	۰/۰۱۰	مقدار احتمال F	۰/۲۹۰		R ^۲
$FRQ_{it} = 0.095 + 0.199 AQUA_{it} + 0.231 SIZE_{it} + 0.689 ROA_{it} + 0.049 LEV_{it} + \xi$							

معناداری مدل فرضیه‌ی فرعی اول

H: بین کیفیت حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

H₁: بین کیفیت حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

در جدول فوق مدل با اثرات ثابت برآورد شده است که مقدار احتمال معناداری F در نکویی برازش کل مدل، برابر با ۰/۰۱ است که این مقدار کم‌تر از ۰/۰۵ بوده، بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود، یعنی با سطح اطمینان ۹۵ درصد مدل فرضیه معنادار می‌باشد و همان‌طور که ملاحظه می‌شود، کیفیت حسابرسی با احتمال (۰/۰۳۷۸) و آماره‌ی محاسبه شده‌ی T با مقدار (۰/۸۸۵) دارای رابطه‌ی معنادار و مستقیم (مثبت) با کیفیت در گزارشگری مالی می‌باشد و با توجه به این مهم که عامل تورم واریانس (VIF) کم‌تر از ۵ و بیش‌تر نزدیک به یک است می‌توان نتیجه گرفت بین متغیرهای مستقل همخطی وجود ندارد.

۲-۲-۴- تحلیل یافته‌ها و بررسی نکویی برازش مدل فرضیه‌ی فرعی دوم

فرضیه‌ی فرعی دوم «بین استقلال حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای، رابطه‌ی معناداری وجود دارد»، مورد بررسی قرار گرفته است که نتایج به‌دست آمده از برازش مدل رگرسیون پژوهش در جدول ۴ ارائه شده است:

جدول (۴) نتایج برازش مدل رگرسیون فرضیه فرعی دوم پژوهش

عنوان متغیر	متغیر	مقدار ضریب	ضریب استاندارد شده	آماره محاسبه شده t	احتمال	نتیجه	VIF
استقلال حسابرِس	A IND	۰/۰۱۰	۰/۰۰۳	۰/۰۳۲	۰/۰۰۷	مثبت و معنادار	۱/۰۵۱
اندازه شرکت	SIZE	۰/۲۱۰	۰/۲۷۷	۲/۵۱۳	۰/۰۰۹	مثبت و معنادار	۱/۹۸۵
بازده کل دارایی‌ها	ROA	۰/۷۴۶	۰/۰۳۵	۰/۳۹۹	۰/۰۰۱	مثبت و معنادار	۱/۲۳۷
اهرم مالی	LEV	۰/۰۰۷	۰/۰۰۲	۰/۰۱۴	۰/۰۰۶	مثبت و معنادار	۲/۲۴۱
دوربین واتسون	۱/۵۹۶	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۵۵	۰/۰۷۹	ضریب تعیین		
R ^۲	۰/۲۸۲	مقدار احتمال F	۰/۰۱۴	۳/۲۳۶	مقدار F		
$FRQ_{it} = ۰.۱۴۳ + ۰.۰۱۰ AIND_t + ۰.۲۱۰ SIZE_t + ۰.۷۴۶ ROA_t + ۰.۰۰۷ LEV_t + \xi_t$							

معناداری مدل فرضیه فرعی دوم

H: بین استقلال حسابرِس با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

H₁: بین استقلال حسابرِس با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

در جدول فوق مدل با اثرات ثابت برآورد شده است که مقدار احتمال معناداری F در نکویی برازش کل مدل، برابر با ۰/۰۱۴ است که این مقدار کم‌تر از ۰/۰۵ بوده. بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. یعنی با سطح اطمینان ۹۵ درصد مدل فرضیه معنادار می‌باشد و همان‌طور که ملاحظه می‌شود، کیفیت حسابرسی با احتمال (۰/۰۰۷) و آماره‌ی محاسبه شده‌ی T با مقدار (۰/۰۳۲) دارای رابطه‌ی معنادار و مستقیم (مثبت) با کیفیت در گزارشگری مالی می‌باشد و با توجه به این مهم که عامل تورم واریانس (VIF) کم‌تر از ۵ و بیش‌تر نزدیک به یک است می‌توان نتیجه گرفت بین متغیرهای مستقل همخطی وجود ندارد.

۳-۲-۴- تحلیل یافته‌ها و بررسی نکویی برازش مدل فرضیه‌ی سوم

فرضیه‌ی فرعی سوم «بین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه، رابطه‌ی معناداری وجود دارد». مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج به‌دست آمده از برازش مدل رگرسیون پژوهش در جدول ۵ ارائه شده است:

جدول (۵) نتایج برازش مدل رگرسیون فرضیه فرعی سوم پژوهش

عنوان متغیر	متغیر	مقدار ضریب	ضریب استاندارد شده	آماره محاسبه شده t	احتمال	نتیجه	VIF
حق‌الزحمه‌ی حسابرسی	LNA FEE	۰/۰۲۳	۰/۰۱۴	۰/۱۶۲	۰/۰۰۸	مثبت و معنادار	۱/۳۰۵
اندازه‌ی شرکت	SIZE	۰/۲۱۳	۰/۲۸۱	۲/۴۹۶	۰/۰۱	مثبت و معنادار	۲/۰۷۰
بازده کل دارایی‌ها	ROA	۰/۷۴۰	۰/۰۳۵	۰/۳۹۷	۰/۰۰۶	مثبت و معنادار	۱/۲۳۴
اهرم مالی	LEV	۰/۰۱۹	۰/۰۰۵	۰/۰۴۱	۰/۰۶	بی معنی	۲/۲۶۳
دوربین واتسون	۱/۶۰۲	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۵۵	۰/۰۸۰	ضریب تعیین		
R ^۲	۰/۲۸۲	مقدار احتمال F	۰/۰۱۴	۳/۲۴۳	مقدار F		

$$FRQ_{it} = 0.287 + 0.023 AFEE_t + 0.213 SIZE_t + 0.740 ROA_t + 0.019 LEV_t + \xi_t$$

معناداری مدل فرضیه‌ی فرعی سوم

H_۱: بین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

H_۱: بین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

در جدول فوق مدل با اثرات ثابت برآورد شده است؛ که مقدار احتمال معناداری F در نکویی برازش کل مدل، برابر با ۰/۰۱۴ است که این مقدار کم‌تر از ۰/۰۵ بوده، بنابراین این فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود، یعنی با سطح اطمینان ۹۵ درصد مدل فرضیه معنادار می‌باشد و همان‌طور که ملاحظه می‌شود، کیفیت حسابرسی با احتمال (۰/۰۰۸) و آماره‌ی محاسبه شده‌ی T با مقدار (۰/۱۶۲) دارای رابطه‌ی معنادار و مستقیم (مثبت) با کیفیت در

گزارشگری مالی می‌باشد و با توجه به این مهم که عامل تورم واریانس (VIF) کم‌تر از ۵ و بیش‌تر نزدیک به یک است می‌توان نتیجه گرفت بین متغیرهای مستقل همخطی وجود ندارد.

۳-۴- خلاصه و اهم نتایج مدل و آزمون فرضیه‌ها

هدف اصلی این پژوهش بررسی وجود رابطه بین کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرِس و حق‌الزحمه حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای می‌باشد. فرضیه‌های پژوهش براساس اطلاعات گردآوری شده از صورت‌های مالی شرکت‌های بیمه مربوط به ۳۱ شرکت در ۵ سال متوالی از ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ که در جدول ۶ خلاصه شده‌اند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

جدول (۶) خلاصه نتایج نکویی برازش مدل‌های فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های پژوهش	شرح فرضیه‌های پژوهش	قبول یا رد	جهت
فرضیه‌ی فرعی اول	بین کیفیت حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای رابطه‌ی معناداری وجود دارد	قبول	مستقیم (مثبت)
فرضیه‌ی فرعی دوم	بین استقلال حسابرِس با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای رابطه‌ی معناداری وجود دارد	قبول	مستقیم (مثبت)
فرضیه‌ی فرعی سوم	بین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای رابطه‌ی معناداری وجود دارد	قبول	مستقیم (مثبت)
فرضیه‌ی اصلی	بین کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرِس و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای رابطه‌ی معناداری وجود دارد	قبول	—

در این پژوهش متغیر وابسته، کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد که برای ارزیابی آن از مدل فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵) استفاده شده است و کیفیت حسابرسی نیز متغیر مستقل اول بوده که یک متغیر مجازی می‌باشد. استقلال حسابرِس نیز متغیر مستقل دوم بوده که بر اساس بند ۱۱-۱۶ بخش ب احکام قابل اجرا توسط حسابداران رسمی شاعل، در آیین رفتار حرفه‌ای جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران (۱۳۸۲)، مبنای محاسبه قرار گرفته است و در نهایت متغیر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی به عنوان متغیر مستقل سوم با استفاده از لگاریتم طبیعی میزان حق‌الزحمه حسابرسی می‌باشد. برای ارزیابی آن از مدل آگوستین (۲۰۱۴) و تن (۲۰۰۳) و کراسول و همکاران (۲۰۰۲) استفاده و مورد بررسی قرار گرفته است. متغیرهای کنترلی استفاده شده در این پژوهش نیز به ترتیب متغیر اندازه شرکت، اهرم مالی و بازده دارایی شرکت می‌باشد. بدین منظور سه فرضیه فرعی تبیین و هر سه مورد تأیید قرار گرفت. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که فرضیه‌ی اصلی هم مورد تأیید قرار گرفته است.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

همان‌گونه که در طی پژوهش بیان شد، با توجه به وجود تضاد منافع بین مدیریت بنگاه‌های

تجاری و استفاده‌کنندگان (ذی‌نفعان) از گزارش‌های مالی، کیفیت گزارشگری مالی منجر به سودمندی در اتخاذ تصمیم آگاهانه توسط استفاده‌کنندگان (ذی‌نفعان) درباره‌ی سرمایه‌گذاری در بنگاه‌های تجاری شده و میزان حق‌الزحمه‌ی حسابرسی مناسب، حفظ استقلال حسابرس و افزایش کیفیت حسابرسی می‌تواند در این راستا منجر به کاهش تصمیم‌های گزارشگری نامعقول مدیریت در رابطه با کیفیت سود و در نتیجه افزایش کیفیت گزارشگری مالی بنگاه تجاری شود، و از طرفی می‌تواند سبب امکان ایجاد وابستگی اقتصادی میان حسابرس و صاحبکار و فراهم آوردن موجبات بروز تردیدی اساسی درباره‌ی استقلال حسابرس و پایین آمدن کیفیت حسابرسی و تغییر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی شده که این امر در نهایت می‌تواند سبب کاهش اعتماد عمومی (ذی‌نفعان) نسبت به نقش اعتباردهی حسابرسان و کاهش کیفیت گزارشگری مالی شود. لذا هدف از پژوهش حاضر، تبیین وجود رابطه‌ی بین کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه‌ی شرکت‌های بیمه‌ای در ایران بوده که به منظور دست‌یابی به هدف پژوهش، دوره‌ی زمانی بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸، به عنوان نمونه انتخاب گردیده است. بنابراین نتایج به‌دست آمده از آزمون فرضیات پژوهش انجام شده حاکی از آن می‌باشد که بین کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای در ایران، رابطه‌ای معنادار و مستقیم (مثبت) وجود دارد. فرضیه‌ی اول فرعی مورد تأیید قرار گرفت که نتایج به‌دست آمده با نتایج پژوهش‌های خارجی و داخلی قبلی انجام شده توسط سلیم و الزوبی (۲۰۱۸) که بیان می‌نماید کیفیت حسابرسی و صلاحیت حسابرسی کیفیت گزارشگری را افزایش می‌دهد؛ آجی منساه (۲۰۱۸) که عنوان می‌نماید کیفیت حسابرسی بالاتر و کمیته‌ی حسابرسی اثر بخش در افزایش کیفیت افشای گزارشگری مالی اثر مکملی دارد، گاینور و همکاران (۲۰۱۶)، راسمین و همکاران، (۲۰۱۴) که بیان نمود حسابرسان برای حفظ شهرت و اعتبار خود بر آن هستند که رسیدگی دقیق‌تری انجام داده و کیفیت گزارشگری مالی افزایش دهند، چمبرز و پابن (۲۰۰۸) که بیان کردند کیفیت حسابرسی با اقلام تعهدی رابطه‌ی منفی دارند و افزایش کیفیت حسابرسی باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود، میرز و همکاران (۲۰۰۳) که عنوان نمودند کیفیت بالای حسابرسی را در محدود کردن تصمیم‌های گزارشگری غیر متعارف مدیریت است، بهبهانی نیا و همکاران (۱۳۹۹) که بیان کردند بین طبقه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی (کیفیت حسابرسی) و امتیاز افشا و اطلاع رسانی صاحبکار رابطه معناداری وجود دارد، همخوانی دارد. همچنین بین استقلال حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای در ایران، رابطه‌ای معنادار و مستقیم (مثبت) وجود دارد و فرضیه‌ی فرعی دوم نیز مورد تأیید قرار گرفت که نتایج به‌دست آمده با نتایج پژوهش‌های خارجی و داخلی قبلی انجام شده توسط نیوتن و همکاران (۲۰۱۳) که بیان نمودند افزایش تمرکز در بازار فعالیت حرفه‌ی حسابرسی باعث کاهش ریسک حسابرسان می‌شود و به حسابرسان این اطمینان را می‌دهد که فعالیت حسابرسی را با کیفیت بیش‌تری انجام داده و افزایش استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی را در پی دارد و همچنین سلیم و الزوبی (۲۰۱۸) که بیان کردند استقلال حسابرس و تأمین مالی بدهی پتانسیل مدیریت درآمد را

کاهش می‌دهد و در نتیجه کیفیت گزارشگری مالی افزایش می‌یابد و راسمین و همکاران (۲۰۱۴)، که طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که وجود مؤسسه‌های کوچک به حسابرسان انگیزه می‌دهد که برای رقابت، به صاحبکاران تخفیف‌های بیش‌تری در حق‌الزحمه‌ی حسابرسی باید پیشنهاد شود که کاهش کیفیت حسابرسی را در بر دارد، و فرانسیس و همکاران (۲۰۱۳) که طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که تنها چند مؤسسه‌ی بزرگ توانایی حسابرسی شرکت‌های سهامی بزرگ را دارند و این موضوع به افزایش حق‌الزحمه و کیفیت حسابرسی (و حفظ استقلال حسابرس) منتهی می‌شود و فتحی (۱۳۹۷) که بیان نمود بین مؤلفه استقلال حسابرس بر کیفیت حسابرسی همبستگی وجود دارد، همخوانی دارد. در نهایت بین حق‌الزحمه‌ی حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای در ایران، رابطه‌ای معنادار و مستقیم (مثبت) وجود دارد و فرضیه‌ی فرعی سوم نیز مورد تأیید قرار گرفت که البته یکی از عوامل مهم آن را می‌توان، الزامات اجباری حاکم بر شرکت‌های بیمه‌ای از طرف بیمه مرکزی و استقرار نظام حاکمیت شرکتی مناسب در شرکت‌های بیمه‌ای از جمله استقرار کمیته‌ی حسابرسی و حسابرس داخلی مناسب و انتخاب سازمان حسابرسی و مؤسسه‌های حسابرسی با درجه‌ی کیفیتی بالا و مسلط به پیچیدگی‌های خاص صنعت بیمه و پرداخت حق‌الزحمه‌ی مناسب با مخاطرات و خدمات ارائه شده می‌توان بیان نمود. نتایج به‌دست آمده با نتایج پژوهش‌های خارجی و داخلی قبلی انجام شده لاراسیتی و همکاران (۲۰۱۹) که بیان نمودند بین کاهش ریسک کمیته‌ی حسابرسی و هزینه‌ی حسابرسی رابطه‌ی معنادار وجود دارد، میترا، جگی و الحیال (۲۰۱۹) که دریافتند که وجود هیأت مدیره اثربخش سبب تقاضای بیش‌تر برای حسابرسی با کیفیت شده و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در این شرکت‌ها افزایش می‌یابد، سوسانتی سوسنو (۲۰۱۳) که نشان داد استقلال حسابرس و هزینه‌ی حسابرسی تأثیر قابل توجهی بر کیفیت حسابرسی دارند، فرانسیس و همکاران (۲۰۱۳) که طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که تنها چند مؤسسه‌ی بزرگ توانایی حسابرسی شرکت‌های سهامی بزرگ را دارند و این موضوع به افزایش حق‌الزحمه و کیفیت حسابرسی (و حفظ استقلال حسابرس) منتهی می‌شود، هتفیلد و همکاران (۲۰۰۷) که بر این عقیده بودند که حسابرسان برای جذب و حفظ مشتری، حق‌الزحمه‌ی کمی را دریافت می‌کنند و انتظار دارند تا در سال‌های بعد از طریق افزایش این حق‌الزحمه، زبان‌های سال‌های اول حسابرسی را جبران کنند، هویتاش و همکاران (۲۰۰۷) به این نتیجه رسیدند که طبق دیدگاهی حق‌الزحمه‌های بالا می‌تواند از طریق افزایش تلاش‌های حسابرسان منجر به افزایش کیفیت حسابرسی شود، گرجی‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) که نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی پژوهش حاکی از این است که اندازه مؤسسه‌ی حسابرسی و تغییر حق‌الزحمه حسابرس بر کیفیت حسابرسی رابطه‌ی مثبت معناداری وجود دارد، حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۵) که به این نتیجه رسیدند هر قدر حسابرس از کیفیت، شهرت و نفوذ در بازار حسابرسی و قدرت چانه زنی بیش‌تری برای تعیین حق‌الزحمه برخوردار باشد، بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی او افزوده خواهد شد و نتایج پژوهش نیکبخت و همکاران (۱۳۹۵) که حاکی از آن بود که تغییر حق‌الزحمه‌ی حسابرس با کیفیت حسابرسی رابطه‌ی معنادار وجود دارد، همخوانی دارد. پس می‌توان نتیجه‌گیری کرد که فرضیه‌ی اصلی پژوهش

هم مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین حسابرسی در طی عمر نه چندان طولانی خود با چالش‌های فراوانی رو به رو می‌باشد که یکی از مهم‌ترین چالش‌ها حفظ استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی انجام شده می‌باشد. زیرا از یک طرف حسابرس، حق‌الزحمه‌ی خود را از صاحبکار دریافت می‌کند و از طرف دیگر باید در مورد کار او اظهار نظر کند و این امر باعث شده تا همواره استقلال حسابرس، کیفیت حسابرسی و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی یکی از موضوعات مورد بحث در پژوهش‌های اخیر و مورد توجه پژوهشگران باشد. لذا با توجه به نتایج این پژوهش که حاکی از وجود رابطه‌ی معنادار و مستقیم (مثبت) کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای است، بنابراین توصیه می‌شود نهادهای نظارت‌کننده بر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، با استقرار سازوکارهای مناسب از جمله تفکیک محتوایی مالکیت از مدیریت مبادرت نموده و نیز شرکت‌های مشابه که در خصوص حوزه‌های تخصصی و صنعت خاصی فعالیت می‌کنند و به مانند شرکت‌های بیمه‌ای نظام راهبری شرکتی که از ارکان آن کمیته‌ی حسابرسی و حسابرس داخلی مناسب است را پیاده‌سازی نمایند و در انتخاب اعضای کمیته و نحوه‌ی سنجش حسابرس داخلی مؤلفه‌های شایستگی مدنظر قرار گیرد تا تمهیدات لازم را برای کاهش وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار و به تبع آن افزایش استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی و در نهایت افزایش کیفیت گزارشگری مالی را فراهم آورند که در ادامه پیشنهادهایی در ارتباط با انتخاب حسابرس مستقل و ارجاع کار به وی جهت حفظ استقلال حسابرس و بالا بردن سطح کیفیت حسابرسی به شرح زیر بیان شده است؛ که در این رابطه پیشنهاد می‌شود: بنگاه‌های تجاری که در حوزه و صنعت خاصی مشابه صنعت بیمه فعالیت می‌نمایند جهت استفاده از خدمات اعتباردهی سازمان حسابرسی و جامعه‌ی حسابداران رسمی می‌تواند با تعیین مکانیزم‌ها و راهکارهای جامع و مناسبی در رابطه با ارجاع کار حسابرسی سبب ارتقاء کیفیت انجام کار حسابرسی و حفظ استقلال حسابرس گردند. همچنین از الگوی موفق ارجاع کار به سازمان حسابرسی و مؤسسه‌های درجه یک در امر حسابرسی که در آن صنعت خاص و مورد نظر دارای تخصص و صلاحیت لازم می‌باشند، استفاده نموده و حق‌الزحمه‌ی آنان را بر اساس الزامات خاص حاکم بر نوع انجام کار و پیچیدگی صنعت مورد نظر مشخص نمایند که در این صورت نخست، نگرانی از میزان تعیین حق‌الزحمه و از دست دادن صاحبکار که از عوامل مهم و تأثیرگذار در کاهش استقلال حسابرس می‌باشد، تا حدود قابل توجه‌ای بلااثر شده و همچنین مطابق با اندازه و نسبت به نوع و پیچیدگی کار و توان و ظرفیت بلا استفاده هر مؤسسه‌ی حسابرسی، انجام کار تعیین و به ایشان ارجاع می‌گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود: سازمان بورس دستورالعملی با هم‌فکری سازمان حسابرسی و جامعه‌ی حسابداران رسمی در نحوه‌ی انتخاب حسابرس مستقل معتمد بورس، نحوه‌ی تعیین میزان حق‌الزحمه‌ی عملیات حسابرسی که باید توسط شرکت‌ها، بر اساس اندازه‌ی شرکت‌ها و نحوه‌ی انجام عملیات آن‌ها و همچنین نوع صنعت به حسابرس پرداخت شود، تعیین و ابلاغ نماید تا امکان کاهش حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و نرخ شکنی برخی از مؤسسه‌های حسابرسی که امکان دارد سبب کاهش کیفیت و استقلال حسابرس به منظور مساعد نمودن زمینه جهت سوء استفاده‌ی

مدیریت در نحوه‌ی تهیه‌ی صورت‌های مالی می‌شود میسر نگردد. در راستای انجام پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود: پژوهشگران مبادرت به بررسی بیش‌تر تأثیر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی، استقلال حسابرسان و کیفیت حسابرسی و تخصص حسابرسان در صنعت‌های مشابه بیمه بر بهبود کیفیت گزارشگری مالی با در نظر گرفتن نقش ارتقای جایگاه شرکت در زمینه‌ی کیفیت افشا، پایداری سود، و حاکمیت شرکتی اقدام نمایند و همچنین تبیین مدلی مفهومی ارتقا یافته در رابطه با تعیین کمی استقلال حسابرسان، کیفیت حسابرسی و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در این خصوص مبادرت نمایند تا در این حوزه مورد استفاده قرار گرفته و سودمند واقع شود.

منابع

- بزرگ اصل، موسی (۱۳۸۰). «برداشت حسابرسان مستقل و استفاده‌کنندگان از محتوای پیام‌های ارسال شده به وسیله گزارش‌های حسابداری»، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، ص ۹.
- بنی مهدی، مرادزاده فرد، مهدی، زینالی، مهدی (۱۳۹۱). «اثر حق‌الزحمه حسابرسی بر اظهارنظر حسابرسان»، فصل‌نامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال پنجم، شماره یازدهم، صص ۴۱-۵۴.
- بهبهانی نیا، پریسا سادات؛ ولی زاده لاریجانی، اعظم (۱۳۹۹). «تأثیر طبقه مؤسسات حسابرسی معتمد بر گزارشگری مالی صاحبکاران»، پژوهش‌های تجربی حسابداری: پاییز، شماره ۳۷، ۲۱۱-۱۸۷.
- تحریری، آرش؛ پیری سقرلو، مهدی (۱۳۹۹). «استقلال حسابرسان؛ تحلیلی مقایسه‌ای از نگرش حسابرسان و مدیران مالی ایرانی»، پژوهش‌های تجربی حسابداری، تابستان ۱۳۹۹، شماره ۳۶، صص ۱۹۲-۱۳۹.
- جامعه حسابداران رسمی ایران (۱۳۸۲). کتاب آیین رفتار حرفه‌ای، تالیف مرکز آموزش و تحقیقات حسابداری و حسابرسی حرفه‌ای، ناشر جامعه حسابداران رسمی ایران، چاپ انتشارات نقش ایران، صص ۲۱ و ۲۲.
- حساس یگانه، یحیی (۱۳۹۱). کتاب فلسفه حسابرسی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ پنجم سال ۱۳۹۱.
- حساس یگانه، یحیی، برزیده، فرخ، تقوی فرد، محمدتقی و محمد فرهمند سیدآبادی (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر گردش اجباری مؤسسه‌های حسابرسی بر حق‌الزحمه حسابرسی و رقابت در بازار حسابرسی»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال بیست و سوم، شماره ۳، صص ۳۵۲-۳۳۳.
- رحمانی، علی و زهرا امینی (۱۳۹۰). «استانداردهای حسابداری و کیفیت اطلاعات حسابداری»، نهمین همایش سراسری حسابداری ایران، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۲۱ و ۲۲، اردیبهشت ماه، صص ۱۰۸-۹۶.
- سجادی، سیدحسین، محمدی، کامران (۱۳۸۹). «مفهوم کیفیت سود و روش‌های ارزیابی آن»، www.jit.blogfa.com
- طالب تبارم میثم (۱۳۹۰). «رابطه‌ی بین ویژگی‌های هیأت مدیره و دستمزد حسابرسی» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- طرخورانی، علی؛ محمدی، سید موسی؛ عسکری، میثم (۱۳۹۹). «بررسی تأثیر کیفیت گزارشگری مالی بر قیمت‌گذاری اقلام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، رویکردهای

پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری: تابستان، شماره ۳۸ (جلد هشتم)، ۶۵-۷۹.
فتحی، میثم (۱۳۹۷)، «بررسی اثر استقلال حسابرس بر کیفیت حسابرسی»، پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری، بهار ۱۳۹۷، دوره جدید شماره ۱، صص ۹۴-۸۵.
گرچی‌زاده، داود؛ خانمحمدی، محمدحامد؛ بزرگی، زهرا (۱۳۹۶)، «تأثیر اندازه مؤسسه‌ی حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی»، مجله مطالعات اقتصاد، مدیریت مالی و حسابداری، دوره سوم- شماره ۱۲، صص ۲۰۸-۱۹۷.

مرفوع، محمد (۱۳۹۰)، «ریسک نقدشوندگی سهام و کیفیت اطلاعات حسابداری»، رساله دکتری حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده مدیریت و حسابداری.
ملایمنی، وحید و مرفوع، محمد (۱۳۹۴)، «رابطه بین کیفیت افشای اطلاعات و تأخیر در زمان صدور گزارش حسابرسی»، فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۲، شماره ۴۵، صص ۷۵-۵۱.

مهرانی ساسان، جمشیدی اوانکی کورش (۱۳۹۰)، «عوام مؤثر بر تعیین دستمزد حسابرسی»، حسابدار رسمی ۱۳، صص ۷۸-۶۰.

نیکبخت، محمدرضا، شعبان زاده، مهدی، کنارکار، امین (۱۳۹۵)، «رابطه بین حق‌الزحمه حسابرسی و تجربه حسابرس با کیفیت حسابرسی»، فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، شماره ۱، صص ۲۰۸-۱۹۰.

Agyei-Mensah, B. K. (2018). The effect of audit committee effectiveness and audit quality on corporate voluntary disclosure quality. *African Journal of Economic and Management Studies*, 10 (1): 17- 31.

Augustine O. Okolie. (2014). "Auditor tenure, Auditor independence and accrual-Based earnings management of quoted companies in Nigeria". *European Journal of Accounting Auditing and Finance Research* Vol.2.No2, pp.6390.

Banimahd, M., Moradzadehfard, M. & Zeinali, M. (2012). Effect of Audit Fee on Auditor's Opinion. *Journal of Management Accounting*, 5(11): 41-54. (In Persian)

Behbahaninia, P. & Valizadeh Larijani, A. (2020). The effect of the category of trusted auditing firms on the financial reporting of employees. *Journal of Empirical Accounting Research: Autumn*, 37:121-187. (In Persian)

Bozorg Asl, M. (2001). Independent auditors and users' perceptions of the content of messages sent by accounting reports. Doctoral dissertation, Allameh Tabatabai University, p. 9. (In Persian)

Chambers, Payne (2008), *Audit Quality and Accrual Reliability: Evidence from the pre and post Sarbanes-Oxley Periods*, Available at www.ssm.com.

Craswel, A., Stokes, D. J. and Loughton, J. (2002). "Auditor independence and fee independence, *Journal of Accounting and Economics*", 33, 253 – 275.

Fathi, M. (2018). Investigating the effect of auditor independence on audit quality. *Journal of New Research in Management and Accounting*, Spring, 1: 85-94. (In Persian)

Francis, J. R., Michas, P. N. & S. E. Seavey. (2013). "Does audit market concentration harm the quality of audited earnings? Evidence from audit markets in 42 countries". *Contemporary Accounting Research*, Vol. 30, No. 1, Pp. 325– 355.

Francis, R. Lafond, P. Olsson and K. Schopper (2004), costs of equity and earnings attributes.

The Accounting Review, 79: 967-1010.

Francis, J., LaFond, R., Olsson, P., Schipper, K. (2005) «The market pricing of accruals quality» Journal of Accounting and Economics 39, 295-327. 21-Gosh;

Gaynor, L. M., Kelton, A. S., Mercer, M., & Yohn, T. L. (2016). Understanding the relation between financial reporting quality and audit quality. Auditing: A Journal of Practice & Theory, 35 (4), 1-22.

Gorjizadeh, D., Khanmohammadi, M. H. & Bozorgi, Z. (2017). The effect of audit firm size and audit fee on audit quality. Journal of Economic Studies, Financial Management and Accounting, 3(12): 197-208. (In Persian)

Hasas Yeganeh, Y. (2012). Auditing Philosophy. Scientific and Cultural Publications, Tehran, fifth edition. (In Persian)

Hasas Yeganeh, Y., Barzideh, F., Taghavifard, M. T. & Farahmand Seyed Abadi, M. (2016). Investigating the effect of mandatory turnover of auditing firms on auditing fees and competition in the auditing market. Journal of Accounting and Auditing Reviews, 3 (23): 333-352. (In Persian)

Hatfield, R. C., Jackson, S. B., & Vandervelde, S. D. (2007). The effects of auditor rotation and client pressure on proposed audit adjustments. Working paper. University of Alabama.

Hoitash, R., Markelevich, & Barragato, C. A. (2007). Auditor fees and audit quality. Managerial Auditing Journal, 22, 761-786.

Iranian Society of Certified Public Accountants. (2003). Professional behavior conduct. Authored by the Center for Training and Research in Professional Accounting and Auditing, Publisher of the Iranian Society of Certified Public Accountants, published by Naghsh Iran Publications, 21-22. (In Persian)

Larasati et al., Cogent Business & Management (2019), 6: 1707042, <https://doi.org/10.1080/23311975.2019.1707042>.

Li, Y. S., Taylor, S. & Wong, L. (2007). "Audit Quality, Earning Quality and the Cost of Equity Capital", Electronic Copy Available at: <http://ssrn.com/abstract=1481823>.

Marfu, M. (2011). Stock liquidity risk and quality of accounting information. PhD Thesis in Accounting, Allameh Tabatabai University, Faculty of Management and Accounting. (In Persian)

Mehrani, S. & Jamshidi Avnaki, K. (2011). Factors affecting the determination of audit fees. Journal of Certified Public Accountant, 13:60-78. (In Persian)

Mitra, S., Jaggi, B., & Al-Hayale, T. (2019). "Managerial overconfidence, ability, firmgovernance & audit fees", Review of Quantitative Finance & Accounting, 52(3), 841-870.

Molaimeni, V. & Marfu, M. (2015). The relationship between the quality of information disclosure and the delay in issuing an audit report. Journal of Experimental Studies in Financial Accounting, 12(45): 51-75. (In Persian)

Myers, J., Myers, L., & Omer, T. (2003). Exploring the term of the auditor-client relationship and the quality of earnings: A case for mandatory auditor rotation? The Accounting Review, 78(3), 779-799.

Newton, N. J., Wang, D. & M. S. Wilkins. (2013). "Does a lack of choice lead to lower quality? Evidence from auditor competition and client restatements". Auditing: A Journal of Practice and Theory, Vol. 32, No. 3, Pp. 31- 67.

Nikbakht, M. R., Shabanzadeh, M. & Kenarkar, A. (2016). The relationship between audit fees and the auditor's experience with audit quality. Quarterly Journal of Management and Accounting Studies, 1: 190-208. (In Persian)

Rahman Khan, A., Hossain, D. M., & Siddiqui, J. (2011). Corporate ownership concentration

and audit fees: The case of an emerging economy. *Advances in Accounting*, 27 (1), 125-131.

Rahmani, A. & Amini, Z. (2011). Accounting standards and quality of accounting information. 9th National Accounting Conference of Iran, Zahedan, Sistan and Baluchestan University, 21 and 22, May, 96-108. (In Persian)

Rusmin R, Astami E.W, Hartadi B, (2014), “*The impact of surplus free cash flow and audit quality on earnings management*”, *Asian Review of Accounting*, Vol. 22 Iss 3 pp. 217 – 232.

Sajjadi, H. & Mohammadi, K. (2010). The concept of profit quality and its evaluation methods. www.jit.blogfa.com (In Persian)

Saleem Ebraheem Alzoubi Salem. (2018). “*Audit quality, debt financing, and earnings management: Evidence from Jordan*”, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, Volume 30, March 2018, Pages 69-84.

Susanti Suseno, N. (2013). “*An empirical analysis of auditor independence and audit fees on audit quality*”. *International Journal of Management and Business Studies* ISSN: 2167(3), 3, 0439-87-81.

Tahriri, A. & Piri Saqerloo, M. (2020). Auditor independence: a comparative analysis of the attitudes of Iranian auditors and financial managers. *Journal of Empirical Accounting Research*, Summer, 36:139-192. (In Persian)

Taleb Tabarom, M. (2011). The relationship between the characteristics of the board and the audit salary. Master Thesis, University of Mazandaran. (In Persian)

Tarkhorani, A., Mohammadi, M. & Askari, M. (2020). Assessing the effect of financial reporting quality on pricing of accruals in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of new research approaches in management and accounting*: Summer, 38 (8): 65-79. (In Persian)

Vanstraelen, A. (2000). Impact of renewable long-term audit mandates on audit quality. *The European Accounting Review*, 9 (3), 419-443.

Walker, M (2003) ‘Principal/agency theory when some agents are trustworthy’, *Accounting and Finance*, Working Paper, Manchester: Manchester Business School, Manchester University.

Wooten, T. C. (2003). “Research about audit quality, *The CPA Journal* (January), 2003, <http://www.nysscpa.org>. Retrieved: April 21, 2012.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی